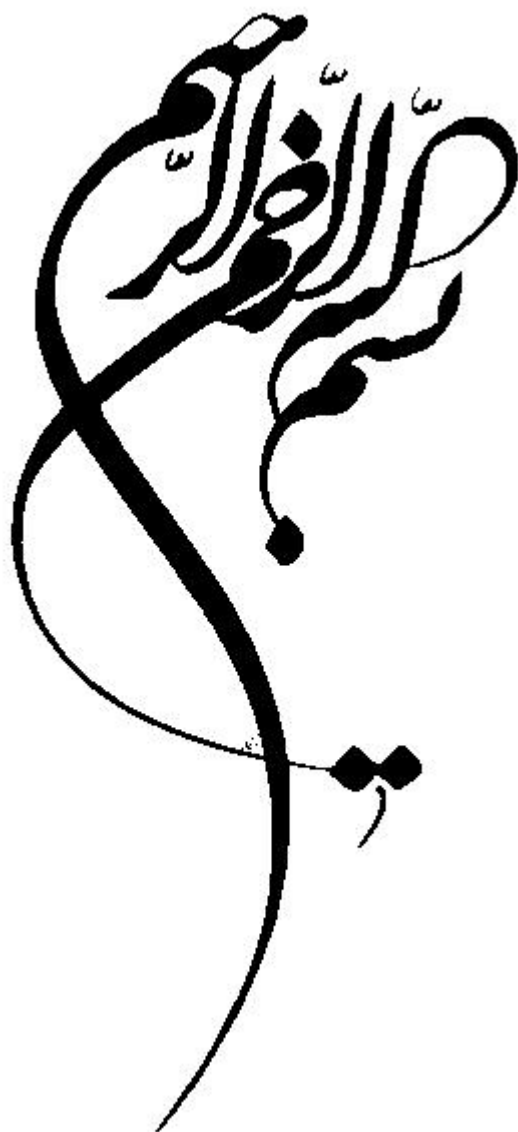




چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 1

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 2

ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشم‌پریض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابى القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 3

چهار نعمت برجسته معنوی

ما چهار نعمت برجسته معنوی داریم: عقل، قرآن کریم، وجود مبارك رسول خدا (ص) و ائمه طاهرين:.. برای روشن کردن هر کدام از این چهار نعمت، لازم است آیه یا روایتی را ذکر کنم.

نعمت عقل

اما درباره نعمت عقل، از وجود مبارك حضرت صادق (ع) در صفحه (ره) 0 جلد اول اصول کافی نقل شده که پروردگار عالم وقتی عقل را آفرید، به عقل خطاب کرد، موجودی را محبوب تر از تو نیافریدم؛ یعنی احبّ خلق خدا در وجود تك تك ما قرار داده شده، و اگر بتوانیم این سرمایه عظیم معنوی را به طرز صحیح بکار بگیریم، به طور یقین، احبّ عباد خدا می شویم. اگر ما همه عالم خلقت را به يك درخت تشبیه کنیم، پرقیمت ترین و

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 4

بازرزش ترین شاخه این درخت، شاخه وجود انسان است. چرا چنین است؟ چون پرمفعت ترین میوه آفرینش را خدا در این شاخه قرار داد، و با قرار دادن عقل در وجود ما، پروردگار عالم ما را گرامی داشت و احترام کرد و به ما ارزش داد. اهل دل وقتی آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» ¹ را می خوانند تفسیر کنند، در برابر این پرسش که بنی آدم به چه چیزی کرامت پیدا کرده است، می گویند، به عقل. چون این عقل، واسطه بین ما و بین همه حقایق عالم هست. بنظری وقتی از حضرت رضا (ع) پرسید، ما حقیقت را به چه وسیله ای درك کنیم و به سراغ چه کسی برویم؟ فرمودند: «الْعَقْل»؛ با عقل است که

می‌توانید خدا را بشناسید؛ با عقل است که می‌توانید نبوت را بفهمید؛ با عقل است که ولایت اولیای خدا را درک می‌کنید. امام صادق (ع) می‌فرماید: با عقل است که خدا عبادت می‌شود؛ با

(1) 1. اسری: 70.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 5

عقل است که بهشت به دست می‌آید. تعطیل کردن عقل، به معنای قطع رابطه با خدا، قیامت، انبیاء، ائمه و قرآن مجید است. شما سوره مبارکه تبارک را بخوانید، در آن خداوند از اهل جهنم خبر می‌دهد که روز قیامت از دوزخیان سؤال می‌کنند، علت دوزخی شدن خودتان را بگویید. آن‌ها جواب می‌دهند: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ». «1» اگر ما ابزار شناخت را که یکی از آن‌ها گوش است، درست به کار گرفته بودیم و اگر عقل را به میدان زندگی کشیده بودیم، الان اهل این آتش برافروخته نبودیم.

نعمت قرآن

اما درباره قرآن مجید، از خود قرآن درباره قرآن بشنوید. این آیه در سوره مبارکه یونس است و چه

(1) 1. ملك: 10.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 6

آیه فوق‌العاده‌ای می‌باشد. این آیه شریفه، اهداف قرآن را بیان می‌کند. اگر کسی تا حالا به این اهداف نرسیده، ضرر سنگینی کرده است. اگر کسی به این اهداف نرسیده، معنای آن این است که او هنوز دارد کنار شکم و شهوت درجا

می‌زند. کسی که کنار شکم و شهوت درجا بزند، نظر قرآن درباره او این است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى هُمْ» ¹: شکمی‌ها و شهوتی‌ها چون چهارپایانند؛ یعنی هیچ ترقی‌ای ندارند و دوزخ هم جایگاه آن‌هاست.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» ²: قرآن مجید کتاب نصیحت و

(1) 1. محمد: 12.

(2) 2. یونس: 57.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 7

کتاب موعظه است. واعظ این موعظه کیست؟ خداوند. دلسوزتر از این واعظ در عالم کیست؟ هیچ کس. این يك هدف قرآن است. من اگر اهل شنیدن موعظه نباشم، چه کسی هستم؟ حکمای الهی می‌گویند، موجودی به علاوه صفر. آیا من در این صورت، در صفر می‌مانم و یا پایین‌تر هم می‌روم؟ حکما می‌گویند، نه. پایین‌تر هم تا بی‌نهایت صفر می‌روی تا جایی که انسانی که فراری از موعظه است، این قدر پوچ می‌شود که پروردگار می‌گوید، در قیامت برای سنجش اعمال او، هیچ ترازویی برپا نمی‌کنم؛ چون او هیچ چیزی نیست.

«وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» ¹: قرآن داروخانه پروردگار است و داروهای خوبی هم دارد. جایی دیگر، داروهای سالم‌تر و مؤثرتری مانند این داروخانه را ندارد. به خدا قسم، کسی که با قرآن در ارتباط باشد، چون قرآن داروست، حسود نیست؛

(1) 1. همان.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 8

کسی که با قرآن در ارتباط باشد، حریص نیست؛ بخیل نیست؛ مغرور نیست، سینه به عنوان من سپر نمی‌کند؛ ریاکار نیست؛ فاسد نیست؛ ظالم نیست. مگر می‌شود آدمی آیات قرآن مجید را در کشور وجودش وارد کند و در این کشور این همه حیوان درنده مثل: حرص، حسد، بخل و کینه، باز هم آن جا بماند و جا خوش کنند.

پس وقتی آدم با قرآن معالجه بشود؛ در عمرش به کسی شری نمی‌رساند و از سود رساندن هم دریغ نمی‌ورزد: «الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ» «1»، اگر این گونه باشد: «و شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» «2»، قرآن حق دارد که درباره خود چنین بگوید که دارو است.

(1) 2. دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 198.

(2) 1. یونس: 57.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 9

«و هُدًى» «1»: و قرآن کریم راه خداست؛ یعنی غیر قرآن و معلمین واقعی قرآن که پیغمبر (ص) و اهل بیتند؛ کج‌راهِ است؛ ضلالت، گمراهی و انحراف است. پس وقتی من موعظه قرآن را گوش دادم، «مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى» «2» و وقتی که با داروی قرآن کریم معالجه شدم و وقتی در راه خدا افتادم، قرآن چنین می‌شود: «و رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» «3»، و من غرق رحمت الله می‌شوم.

نعمت پیغمبر اسلام (ص)

اما درباره نعمت پیغمبر اسلام (ص) باید بگویم، اگر در دانمارك، هلند و مراکز دیگر وجود افرادی که به پیغمبر اسلام (ص) توهین می‌کنند، به نجاست‌های معنوی نجس نبود، این چنین به آن حضرت توهین نمی‌کردند. برای این که عظمت پیغمبر (ص) را بدانید، من فقط يك آیه را می‌خوانم.

(1) 2. همان.

(2) 3. همان.

(3) 4. همان.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 10

قرآن درست گفته است که اگر این آیات را بر کوه نازل می کردیم، تحمل آن را نداشت: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» «1»

برادران و خواهران! در قرآن مجید درباره شخصیت انسان آیه ای سنگین تر و پروزن تر از آیه: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» «2» هست؟ کسی که در همه امور زندگی اش از پیغمبر من اطاعت کند، از من اطاعت کرده است. آیا از این آیه، آیه سنگین تری هم هست. این وزن شخصیتی پیغمبر است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»، و این وزن، وزن خیلی بزرگی هست؟ با پیغمبر توحید واقعی پخش شد؛ با پیغمبر دیانت واقعی شناسانده شد؛ با پیغمبر هست که مردم به عمق حقایق راه پیدا کردند.

(1) 1. حشر: 21.

(2) 2. نساء: 80.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 11

در این سخنرانی برای من چندان فرصتی نیست تا ثابت کنم که تمدن فعلی جهان، در تمام رشته های علمی و عملی اش، مدیون وجود محمد بن عبدالله (ص) است، حتی با سخنان خود دانشمندان اروپا. ای نمک به حرام های دامنارکی و هلندی!

ای نمك به حرام‌های کلیسایی و کنیسانی! ای نمك به حرام‌های دانشگاه‌های دنیا! ای نمك به حرام‌های کتمان‌کننده حقیقت که کتمان‌شان از گناهان کبیره بوده و باعث عذاب قیامت است؛ چون حقیقت برای شما روشن است و منکر آن هستید؛ آن را می‌دانید و پنهان می‌کنید؛ شما اهالی بخشی از مردم اروپا، قبل از پیغمبر اکرم (ص) در منطقه آتن، محل نشو و نمای فلسفه، دختر که شوهر می‌دادید، اگر او در زایمان خود دختر می‌زایید، او را در دادگاه محکوم به جریمه می‌کردید، و اگر در سال دوم ازدواجش، آن زن باز دختر می‌زایید، دو برابر از او جریمه می‌گرفتید، و

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 12

در سال سوم اگر چنین می‌شد، او را در میدان شهر اعدام می‌کردید. شما اروپایی‌ها! شما رومیان! همان ایتالیایی‌های امروز، قبل از بعثت پیغمبر (ص)، اگر زن درخانه مورد غضب شوهر قرار می‌گرفت، به كمك بچه‌ها آن زن را در دیگ روغن زیتون داغ می‌سوزانید تا آب بشود. شما آلمانی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها! ششصد سال پیش، هنوز نه شما دستشویی داشتید، و نه حمام. کتاب‌های ما که به آن طرف آمد، شما را آدم کرد. شما نمك به حرام‌ها! دولت‌های این طرف را با فتنه و با ترساندن غلام خودتان کردید و ما را از حرکت به وسیله دولت‌های مان بازداشتید. در این عالم، نمك به حرام‌تر از شما نیست.

شما وکیلان در سخنرانی‌اش در مجلس عوام انگلستان، گفته است، اگر خدا، در مقابل جنایاتی که ما کردیم، هر چقدر که عذاب دارد، بر سر ما انگلیسی‌ها فرو بریزد، باز هم کم است. این اسرائیل

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 13

فرزند انگلیس و زاییده‌شده آن است. شما ایرانی‌ها! قبل از بعثت پیغمبر (ص) مقدس‌ترین عنصر عالم پیش شما، آتش بود. هنوز منقل آتش آتش‌پرست‌های استان یزد، بالای هزار سال روشن نگه داشته شده است. شما ایرانی‌ها! چیزی را مقدس‌ترین مقدسات می‌دانستید که با دستشویی يك بچه يك ماهه خاموش می‌شد. شما می‌دانید پیغمبر چه حقی بر شما دارد؟ به گفته قرآن: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» **«1»**، وزن معنوی پیغمبر است. شما ایرانی‌ها! آن‌هایی که تعصّب به ایران دارند! آن‌هایی که تعصّب به فرهنگ ایرانی دارند! در شاهنامه فردوسی قصه‌ای دارد که مربوط است به آن زمانی که هنوز پیغمبر (ص) مبعوث به رسالت نشده بود. این افراد باید بروند شاهنامه را بخزند. من خودم قسمتی از شاهنامه را خوانده‌ام. این قصه چنین است: انوشیروان با روم شرقی جنگ

(1) 1. همان.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 14

داشت و بودجه کم آورد. همین آدمی که به دروغ می گویند، عادل بود. کدام عادل؟ مگر قرآن مجید نمی گوید: «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». «1» چطور ما با شرکش او را عادل هم بدانیم؟ مگر چنین چیزی امکان دارد؟ قبل از طلوع آفتاب رسالت، دولت ایران با روم شرقی درگیر جنگ شد. بینابین جنگ، دولت بودجه کم آورد. انوشیروان به نخست وزیرش گفت، چکار کنیم؟ وزیر گفت، خزانه خالی است. انوشیروان گفت، به شکست هم که نمی شود تن داد. فردوسی دارد این قصه را می گوید؛ یعنی سه قرن بعد از انوشیروان؛ یعنی کتاب شاهنامه، نزدیک به زمان انوشیروان سروده شد. فردوسی می گوید، در چنین زمانی پینه دوزی پیش نخست وزیر انوشیروان آمد و گفت، من حاضرم کمبود بودجه جنگ را بدهم. نکته مهم این جاست، پینه دوز گفت، حاضرم کمبود بودجه جنگ

(1) 1. لقمان: 13.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 15

را تأمین کنم، البته، در برابر این که انوشیروان اجازه دهد بچه من به مدرسه برود و درس بخواند. انوشیروان پیشنهاد پینه دوز را رد کرد و گفت، در ایران تنها فرزندان چهار طایفه حق درس خواندن دارند: شاهزادگان، امیران، موبدان و دبیران. من حاضرم در این جنگ شکست بخورم و ننگ اجازه رفتن بچه پینه دوز به مدرسه را با خود به گور نبرم؛ یعنی در کشور شما تحصیل علم ممنوع بود. این رسول خدا (ص) بود که آمد اعلام کرد: «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» «1»؛ آمد اعلام کرد: در قیامت به اعمالتان بر اساس معرفت مزد می دهند، نه بر اساس عمل صرف. پیغمبر (ص) چه خدمت

بزرگی به جهان کرد. شما اروپایی‌ها قبل از بعثت پیغمبر (ص) در اتاقهایتان آخور داشتید؛ خودتان چنین نوشتید، و کنار همان آخور می‌آمدید و این قدر غذا می‌خوردید تا به استفراغ می‌رفتید.

(1) 1. دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 165.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 16

پیغمبر (ص) آمد و این آیه را از قرآن بر شما خواند: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»¹؛ طَبَّ را پیغمبر (ص) برای شما آورد؛ علم را پیغمبر (ص) برای شما آورد؛ تمدن را پیغمبر (ص) برای شما آورد. شما آدم نبودید. شما دستشویی نداشتید و در تمام اروپا آن روز می‌آمدید در بیرون خانه‌هایتان دستشویی می‌کردید. غرق در کثافت بودید. حالا حقّ نمک را دارید به جا می‌آورید.

این وزن معنوی این نعمت بود، «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»² البته، این وزن معنوی پیامبر (ص) در همین دنیاست و در آخرت از این هم خیلی بالاتر هست. طبق یکی از آیات سوره هود و یکی از آیات سوره فرقان که روایت مهمی در جلد دوم اصول کافی در باب فضل قرآن

(1) 1. اعراف: 31.

(2) 2. نساء: 80.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 17

هر دو آیه را معنا می‌کند، پیغمبر (ص) می‌فرماید: در روز قیامت خدا اجازه سخن گفتن را به اولین و آخرین نمی‌دهد. برای همین، ابتدای قیامت در سکوت سنگینی است: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ»¹. در قیامت به اولین کسی

که خدا اجازه می دهد که سخن بگویند، من هستم. من از جای بلند می شوم و اولین سخنی که می گویم نه با همه مردم هست و نه با امت؛ بلکه تنها با خداست. اولین سخنم چنین هست. من به اجازه پروردگار، با او سخن می گویم، در حالی که با يك دستم قرآن مجید را بلند می کنم و با دست دیگرم، دست علی، زهرا، حسن و حسین: را می گیرم و به پروردگار می گویم از امت من بپرس که بعد از مردن من، با این دو چکار کردند؟ می ایستم تا خدا جوابم را بدهد؛ تا خدا از تك تك امتم بپرسد که با قرآن و با اهل بیت: من چه کردند. شماها که خوش به حالتان

(1) 1. هود: 105.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 18

هست! اگر خدا به شما بگوید که چکار کردید، شما در دو و سه دقیقه جواب می دهید: خدایا! ما به اندازه استعدادمان آیات مربوط به عبادات را عمل کردیم؛ آیات مربوط به مال را عمل کردیم و به اندازه استعدادمان، به امیرمؤمنان، به ائمه طاهرین:، به حضرت رضا (ع)، به حضرت حسین (ع) اقتدا کردیم. شما وقتی چنین جواب بدهید و خدا هم آن را امضا کند، پیغمبر (ص) به فاطمه زهرا (س) فرموده: دست همه آنها را در دستم می گذارم و هر جا که خدا من را ببرد، من هم آنها را با خودم به آن جا می برم. اما زنان بی حجاب و بدحجاب چه می خواهند بکنند؟ و همین طور رباخوارها، عرق خورها، ظالمها، مال مردم خورها، اختلاس کنندگان، دزدان و آدم کشها، آدم رباها، معتادها، فروشندگان مواد مخدر و جاسوسان رابطه دار با کثیف ترین دشمنان چه می خواهند بکنند؟ آنها

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 19

در قیامت جواب خدا را نسبت به قرآن و اهل بیت: چه می خواهند بدهند؟

نعمت اهل بیت:

و اما درباره نعمت اهل بیت:، من تنها روایتی را که می‌خواهم برای شما نقل کنم، روایتی است که همه بزرگان شیعه آن را نقل کردند و مشهورترین علمای اهل سنت هم آن را نقل کردند و چه روایتی است این روایت: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»¹: تا قیامت در دنیای شما طوفان است و از بالا و پایین علیه شما بلا می‌بارد. الان می‌بینید بیش از چند هزار ماهواره دارد بلا نازل می‌کند و آن هم بدترین بلا را. هدف آنان از آنچه این ماهواره‌ها به

(1) 1. طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 380 - متقی هندی، کنز العمال، ج 12، ص 98.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 20

پایین می‌فرستند، والله نابود کردن دین است و هیچ هدف دیگری هم ندارند. هدفشان این نیست که شما را در لذت غرق کنند؛ بلکه می‌خواهند ریشه دین را بکنند؛ می‌خواهند قرآن را از ما بگیرند. این توطئه را، دیگر امثال ما با خبر شده‌ایم، اگر شما هنوز خبردار نشده‌اید. در این چند ساله اخیر، امریکا و اسرائیل گفته‌اند، ما برای ملت ایران به صورت ویژه، اگر سه برنامه را پیاده کنیم، آن‌ها نابودند، نه نابود بدنی و نه نابود شهوانی، بلکه نابود شخصیتی، و دیگر با اجرای این برنامه‌ها، به طور حتمی این ملت از بین می‌رود:

برنامه اول این است که رابطه آن‌ها را با حسین بن علی (ع) قطع کنند؛ ولی این یکی را خیلی کور خواندید؛ چرا؟ چون از امام صادق (ع) نقل شده که: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 21

قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ وَ حُبَّ زَيَّارَتِهِ»¹: خدا اگر خیر کسی را بخواهد، دلش را از محبت ابی‌عبدالله (ع) پر می‌کند. شما فکر می‌کنید ما در معامله با شما حسین بن علی (ع) را رها می‌کنیم؟ قیمت حسین (ع) برای ما از همه عالم بیش‌تر است؟ چقدر می‌خواهید به ما بدهید و ابی‌عبدالله (ع) را از ما بگیرید؟

برنامه دوم این است که باید حرارت امید مردم ایران را نسبت به آینده با محوریت امام دوازدهم، چنان سرد کنیم که به دنبال ظهور او نباشند.

برنامه سوم این است که رابطه مردم را با عالمان ربانی قطع کنیم. شما ببینید چقدر علیه حوزه‌ها و مرجعیت یاوه‌گویی می‌شود. چقدر این طوفان سنگین است، سنگین‌تر از طوفان زمان نوح (ع)، در زمان نوح (ع) تنها آبی از زمین و آسمان جوشید و همه را نابود کرد. الان هزاران آب لجن از بالا و

(1) 1. ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص 142.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 22

پایین می‌جوشد. نجات از آن، کشتی‌ای می‌خواهد که ما بتوانیم با تمسک به آن، نجات پیدا کنیم: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.» «1» هر کسی با اهل‌بیت: من زندگی کند، نجات پیدا می‌کند، و هر کسی جدای از اهل بیت: من بماند، غرق می‌شود، نه در آب: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» «2»؛ بلکه در هزاران آب لجن متعفن که یکی از آنها برای خفه کردن مردم دنیا بس است. خداوند چه لطفی به شما ملت ایران کرد. با این توطئه، آیا در این روزگار، برپا کردن این مجالس واجب شرعی نیست؟ آیا هر کسی بتواند برای یاری این مجالس هزینه کند، هزینه کردن

(1) 1. طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 380 - متقی‌هندی، کنزالعمال، ج 12، ص 98.

(2) 2. انعام: 153.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 23

برای او واجب نیست؟ آیا هر کسی بتواند تا نفس آخر برای این مردم فرهنگ قرآن و اهل‌بیت: را بگوید، واجب نیست که برود و آن را بگوید. امروز واقعاً منبر و ذکر مصیبت مستحب است؟

کشتی ایمان ز طوفان ایمن است

تا حسینش ناخداپی می کند

بارك الله! سال بعد، آمدن به حریم حضرت رضا (ع) را قوی تر کنید. بارك الله! دست و روی تان را می بوسم، ای بچه کوچكها! بچه شیرخوارهها! پیرمردها! قدخمیدهها! عصا به دستها! جوانهایی که در سرما پیاده از صد کیلومتر و صد و پنجاه کیلومتر راه افتادید و بعد از چندین روز به مشهد رسیدید؛ بیایید و پیاده هم بیایید تا آمریکا و اسرائیل ارادت ما را به اهل بیت: ببیند. بیش تر گریه کنید تا دشمن ارادت ما را به اهل بیت: ببیند. من برای خودم نمی گویم، از من دیگر گذشته است. گذرنامه من الان روی میز

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 24

عزرائیل است. پیغمبر (ص) فرمود، امت من بین شصت و هفتاد می میرند. حالا از سنّ من تا رسیدن به هفتاد سال، دیگر چهار و پنج سال بیش تر نمانده است. هفتاد سالگی به بعد، دیگر امثال ما قاچاقی زنده ایم. ولی شما این گریه ها را حفظ کنید و با صدای بلند برای اهل بیت: گریه کنید. پیغمبر (ص) شما را می دیده که به خاطر آن به زهرا (س) گفت، غصه حسینت را نخور. بساط حسینت تا قیامت برپاست، قرن به قرن. فاطمه من! مردان و زنانی می آیند که مانند کسی که جوانش مرده برای حسین گریه می کنند.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری (ره) صاحب جامع المدارك را و درجاتش را عالی نماید. آنهایی که ایشان را می شناسند، می دانند که او در رده علمای اعلم شیعه بودند. آن مرحوم در مدت بیست و پنج سالی که در مسجد سید عزیرالله تهران اقامه نماز می نمود، هر

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 25

وقت در محراب دستشان را بلند می کرد که تکبیره الاحرام بگوید، دستش را کنار گوشش می برد و اول می گفت: السلام عليك يا ابا عبد الله (ع)! بعد هم الله اکبر می گفت. یکی از دوستان من که کمی از من رویش بیش تر بود، روزی آمد و کنار محراب به ایشان گفت، آقا! قبل از تکبیره الاحرام، سلام بر ابی عبد الله (ع) وارد شده است؟ ایشان در جواب فرمود: این عمامه من، این محراب، این منبر، این مسجد، این قم و این مرجعیت، همه و همه، با حسین (ع) است که سرپا شده، پس دیگر وارد شده، یعنی چه؟

من برای خودم نمی گویم؛ چون از من گذشته است. من سی سال است که چشمم از جمعیت پر می باشد، ولی شما را به خدا این مجالس ارزشمند را تنها نگذارید؛ عالم ربانی را تنها نگذارید. مواظب باشید که چشمه چشمتان از گریه بر اهل بیت: کم

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 26

نیاورد و خشك نشود. گریه خیلی مهم است و به وسوسه وسوسه گران توجه نکنید. قرآن بخوانید: «تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ». «1» قرآن می گوید که چشم بندگان حق شناس من، پر از اشک است. آنهایی که می گویند، گریه برای چیست، خودشان حیوان هستند؛ آنها چشم ندارند؛ آنها دل ندارند؛ آنها قرآن را نمی فهمند.

گریه بر هر درد بی درمان دواست

چشم گریان چشمه فیض خداست

تا نگرید ابر، کی روید چمن

تا نگرید طفل، کی نوشد لبن

گر نگرید طفلک حلوا فروش

دیگ بخشایش کجا آید به جوش

1. 1. مائده: 83.

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 27

بابای پسری مرده بود و او یتیم شده بود. شب مادرش به او گفت، بچه من! برای ما تنها چهار و پنج کیلو آرد، کمی روغن و کمی شکر مانده و بابایت چیز دیگری را برای ما نگذاشته است. من با اینها حلوا درست می کنم و تو آنرا به بازار ببر و بفروش تا از این راه خرجی ما دریابید. صبح، آن پسر دیگ حلوا را برای فروش به بازار برد. نه صبح بود،

کسی آن حلوا را نخرید. ده صبح شد، باز کسی حلوایش را نخرید. دوازده ظهر هم شد، باز آن را کسی نخرید. يك بعدازظهر هم اوضاع چنین بود. پسرک که دیگر طاقتش طاق شده بود، زارزار شروع به گریه کردن کرد. مرد بازاری که آمد از کنار او رد شود، وقتی او را در چنان حالی دید، دلش سوخت و گفت: عزیز دلم! چرا گریه می کنی؟ پسر گفت: یتیمم و تمام سرمایه ما همین دیگ حلوا است. مادرم گفته است که آن را به بازار بیاورم و بفروشم تا با پولش بتوانیم زندگی مان

چهار نعمت: قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، ص: 28

را اداره کنیم. الان هم که آن را برای فروش به بازار آورده ام، هیچ کس آن را از من نمی خرد. آن بازاری گفت: من همه آن حلوا را می خرم و فردا هم باز حلوا درست کن و به بازار بیاور که من آن را می خرم:

تا نگرید طفلك حلوافروش

دیگ بخشایش کجا آید به جوش